■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

# جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم

دوشنبه ۲۲ دی ۱۳۹۹ | ۲۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست و یکم - شماره ۵۸۵۲ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Monday - January 11, 2021

**حدیث روز:** خصال

به امام سجاد(ع) عرض کردند: ما را از تمام دستورهای دین آگاه کنید. فرمود: حقگویی، قضاوت عادلانه و وفای به عهد.

**واحه:** سعدی

شب فراق که داند که تا سحر چند است
مگر کسی که به زندان عشق دربند است

**امروز در تاریخ:**

- تشکیل شورای انقلاب اسلامی به دستور امام خمینی(ره)(۱۳۵۸ش)
- درگذشت ابوسعید ابوالخیر(۴۲۸س)
- درگذشت فیروز بهجت‌محمدی، بازیگر(۱۳۷۸ش)
- درگذشت احمد عاشورپور، خواننده و ترانه‌سرای گیلانی(۱۳۸۶ش)
- ترور دکتر مسعود علیمحمدی، فیزیکدان و دانشمند(۱۳۸۸ش)

**اوقات شرعی:**

اذان ظهر: ۱۲/۱۲ — غروب آفتاب: ۱۷/۱۰
اذان مغرب: ۱۷/۳۰ — نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۲۸
اذان صبح (فردا): ۵/۴۵ — طلوع خورشید(فردا): ۷/۱۴

**وضعیت آب و هوای امروز**

| تهران | اهواز | ارومیه | اراک | ایلام | اصفهان | بوشهر | بیرجند |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱۳ / ۳ | ۲۲ / ۶ | ۵ / ۴- | ۱۰ / ۴- | ۱۶ / ۴ | ۱۰ / ۵- | ۲۰ / ۱۱ | ۱۵ / ۵- |

**حکمت ۳۹۲:** نهج‌البلاغه

سخن بگویید تا شناخته شوید، زیرا انسان در زیر زبان خود پنهان است.

## تلنگر

### دل‌های غرق‌شده

علیرضا رأفتی
روزنامه‌نگار

اگر ایستگاه‌های قطار از فرودگاه‌ها غم‌انگیزتر و دلگیرتر باشند، حق دارند. بالاخره خیلی پیشتر از فرودگاه‌ها شکل گرفته‌اند و خیلی زودتر آدم‌ها را از هم جدا کرده‌اند. بیش از صدسال است که مردم عزیزان‌شان را کنار واگن‌های قطار در آغوش می‌کشند و لحظه خداحافظی بغض می‌کنند. فرودگاه‌ها بعد از ایستگاه‌های قطار به وجود آمدند و طبیعتا بغض کمتری را به خود دیده‌اند اما هر چه باشد، من هر بار که پایم را به فرودگاه می‌گذارم، دلم می‌گیرد. چه خودم مسافر باشم و چه بخواهم مسافری را بدرقه کنم. لحظه‌ای که جلوی آخرین ایستگاهی که فقط مسافران می‌توانند از آن بگذرند، می‌ایستی و مسافرت می‌رود، چیزی از درونت بلند می‌شود و از گیت می‌گذرد و می‌چسبد به دماغه هواپیما. نمی‌دانم دلی است یا آهی یا نگاهی که از گیت فرودگاه برداشته می‌شود و تا به تماس مسافری که به‌مقصد رسیده، نیفتد آرام نمی‌گیرد.

اصلا سفر ذاتش همین است که باری از غم را روی دل آدم بگذارد. غمی که جنسش با غم‌های دیگر فرق دارد. غمی که از گذاشتن و رفتن و رسیدن به چیزهای جدید است. شاید غم این‌که آدم می‌داند هر چیزی را باید بگذارد و برود و احتمالا آن چیزهای جدیدی که در مقصد هم انتظارمان را می‌کشند، باید روزی گذاشته و ترک شوند.

دیروز بالاخره خبر سقوط هواپیمای اندونزیایی در اعماق دریا تایید شد. بالاخره جعبه سیاهش را از دل آب بیرون کشیدند.

هر بار که هواپیمایی در گوشه‌ای از جهان سقوط می‌کند، دلم می‌ریزد. آدم معمولا با یک‌طرف حادثه می‌تواند همذات پنداری کند اما من هر بار که هواپیمایی به زمین می‌افتد، با دو طرف ماجرا دلم می‌گیرد. هم با کسی که پشت گیت ایستاده و دلش را فرستاده همراه مسافری که سرش را به شیشه کوچک هواپیما می‌چسباند و هم با مسافری که دلش را می‌گذارد آن‌طرف گیت و می‌رود که همه‌چیز را بگذارد و برود. حالا چند جفت دل و آه را از آب‌های بی‌تفاوت بیرون کشیده‌اند و رسانه‌ها بی‌تفاوت‌تر خبرشان را نقل می‌کنند. مثل همه خبرهایی که هرروز می‌گویند.

## کافه میرداماد

### گفت‌وگو با فاطمه آل‌عباس، گوینده رادیو درباره آموزش آنلاین در دوره کرونا

# تاب‌آوری مادران قابل ستایش است

عکس: جام جم

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

اگر اینترنت بازی درنیاورد و قطع و وصل نشود و اگر مادر بتواند فرزند خود را بدون کشمکش مجاب کند که سر کلاس آنلاین بنشیند و به حرف‌های معلمش گوش کند باید خانه را هم کاملا آرام کند تا حواس دانش‌آموزش پرت نشود و بعد باید خودش هم کنار او بنشیند و مراقب باشد که فرزندش سر کلاس حاضر است، بازی نمی‌کند یا حتی نمی‌خوابد. پا به پای او باید درس بخواند به‌خصوص اگر فرزندش دوره ابتدایی را سپری می‌کند. در کنار همه این‌ها باید ناهار و شام را هم آماده کند و ظرف‌ها و لباس‌ها را هم بشوید و خانه را مرتب کند، چون او مادر است و زن خانه. حالا در این شرایط حال و روز مادری را تصور کنید که فرزند کوچک‌تری هم دارد و باید مراقب او هم باشد و در زمانی که فرزند بزرگ‌ترش کلاس دارد او را ساکت و آرام نگه‌دارد. همه این‌ها برای مادرانی است که در دوره کرونا خانه‌دارند. چون حال و روز مادران کارمند کاملا متفاوت است و آنها روزهای پراسترسی را تجربه می‌کنند که نه‌تنها الان آنها را از پای درآورده که در آینده هم اثرات بسیار سختی از نظر روانی بر آنها تحمیل خواهد کرد.

طی چند روز گذشته با چند مادر هم‌صحبت شدم، هم خانه‌دار و هم شاغل و نکته قابل‌تامل در هم‌صحبتی با آنها این بود که بسیار خسته و کلافه بودند. ایام امتحانات است و آنها علاوه‌بر رسیدگی به درس و مشق فرزندان‌شان باید آنها را مجاب کنند که درس بخوانند و در امتحانات نمرات خوبی بگیرند و بچه‌ها مقاومت عجیبی می‌کنند. آنها بعد از گذشت نزدیک به یک‌سال از شیوع کرونا و درس خواندن آنلاین و در خانه ماندن خسته و خشمگین و پرخاشگر شده‌اند و چون در خانه‌اند و آنلاین درس می‌خوانند، امتحانات برای آنها شکل و شمایل عوض کرده و دیگر نمی‌خواهند باور کنند که نمرات در سرنوشت تحصیلی‌شان تاثیر دارد و مادران در کنار همه سختی‌های دوران کرونا حالا باید با بچه‌ها درگیر شوند و آنها را قانع کنند که باید امتحانات را جدی بگیرند. راستش را بخواهید این روزها در خانه‌هایی که دانش‌آموز دوره ابتدایی دارند، روزهای سختی رقم می‌خورد که امیدواریم ختم به خیر شود.

**مادرانی که یکباره معلم شدند**

فاطمه آل‌عباس، گوینده برنامه‌های خانواده رادیو ایران بر این باور است که مادران در دوره کرونا سخت‌ترین دوره زندگی خود را سپری می‌کنند. آنها هم مادرند، هم همسر، هم پرستار و هم معلم و یک آدم مگر چقدر توان دارد که از پس همه این‌ها برآید؟ این گوینده می‌گوید: معلمی یکی از مشاغل سخت است که به آموزش نیاز دارد. برای همین معلمان آموزش‌های لازم را فرامی‌گیرند تا بتوانند در کنار آموزش، دانش‌آموزان را هم مدیریت کرده و آنها را سرکلاس بنشانند و به آنها درس یاد بدهند. با شروع کرونا همه این‌ها بر دوش مادران گذاشته شد بدون این‌که آنها آموزش دیده و معلمی بلد باشند. برخی از مادران حتی بلد نبودند چگونه از اینترنت برای آموزش فرزندان خود استفاده کنند. تا قبل از کرونا برای بیشتر زنان خانه‌دار و مادران، اینترنت یعنی استفاده از تلگرام و واتس‌اپ و اینستاگرام. اما با آموزش آنلاین آنها به دنیایی وارد شدند که برایشان غریب بود و این یعنی تزریق حجم زیادی استرس و اضطراب به آنها. به همه این‌ها مدیریت بچه یا بچه‌ها را هم اضافه کنید. همه ما حالا می‌دانیم نشاندن بچه‌ها سر کلاس آنلاین یعنی چه و مادران با چه مصیبت‌هایی در این زمینه روبه‌رو هستند.

**فضای سخت مادر - دانش‌آموزی**

آل‌عباس می‌گوید: وقتی مادر مجبور می‌شود، معلم فرزند خود هم باشد باید از لطافت مادرانه چشم‌پوشی کرده و جدی شود و گاهی به فرزند خود تندی هم بکند تا او را مجبور کند درس بخواند و سرکلاس آنلاین حواسش را جمع کند. در چنین شرایطی بین مادر و فرزند حتما درگیری‌هایی پیش می‌آید. فرزند بنا به تعریفی که از مادر دارد، نمی‌پذیرد که او معلم باشد و مثل او رفتار کند برای همین این روزها شاهد درگیری‌هایی بین مادران و فرزندانی که دانش‌آموزند به‌خصوص مقطع ابتدایی هستیم. این فضا حتما برای بچه‌ها سخت است و برای مادران سخت‌تر و اگر نتوان به آنها کمک کرد و فضا را لطیف‌تر کرد حتما به هر دو آسیب‌های روانی وارد می‌شود که جبران آنها سخت است و البته مادران در این شرایط بیشتر آسیب می‌بینند چون هم رابطه آنها با فرزندانشان به هم می‌ریزد و هم مسؤولیت آنها در قبال خانواده و وظایفی که دارند را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

**پدران وارد میدان شوند**

آل‌عباس می‌گوید: به نظرم برای عبور از این شرایط و آرام‌تر کردن فضا اول باید به هر دو طرف حق بدهیم. هم مادران و هم بچه‌ها این روزها شرایط دشواری را می‌گذرانند. بچه‌ها مدت زیادی است در خانه مانده‌اند، نه پارک می‌روند، نه شهربازی و نه با دوستان و همکلاسی‌های خود مراوده دارند. این خانه‌نشینی صبر و تحمل آنها را کاهش داده است. از طرفی مادران بنا به وظیفه خود علاوه بر این که باید کارهای خانه را انجام دهند و به کلاس‌های آنلاین هم برسند باید مراقب سلامت خانواده باشند.

بخش زیادی از استرس آنها این است که اعضای خانواده به کرونا مبتلا نشوند چون اگر یکی مبتلا شود دیگران هم خواهند گرفت. این که مادران وظیفه مراقبت از سلامت خانواده را هم به عهده دارند یعنی اضطراب چند برابر.

تنها کسی که می‌تواند این فضا را آرام‌تر کند و اضطراب مادر را کاهش دهد، پدر خانواده است. راستش را بخواهید ما خانم‌ها با دیده شدن آرام می‌شویم. اگر خانمی متوجه شود همسرش سختی این روزها را که او سپری می‌کند، درک کرده و برای آن ارزش قائل است، نیمی از استرس و خستگی‌اش رفع می‌شود. پدران هم این روزها سختی زیادی را تحمل می‌کنند، تامین حلال معاش خانواده کار آسانی نیست و باید به آنها هم دست مریزاد گفت. اما با همه اینها بهتر است وقتی در خانه هستند کمی از وظایف آموزشی فرزند را به عهده بگیرند. این‌جوری، هم مادر کمی نفس می‌کشد هم فرزند فقط با مادر طرف نیست که با او وارد چالش شود و همه چیز را گردن او بیندازد. پدران اگر در کارهای خانه هم حتی اگر شده کم به مادر کمک کنند، حتما در روحیه خانم‌ها تاثیر خواهد داشت.

### دولت از مادران قدردانی کند

مادران در دوره کرونا بیشتر از دیگران وظایفی را به عهده دارند که قابل تقدیر است. این را نباید نادیده گرفت. باید هم جامعه و هم اعضای خانواده قدردان مادران باشند. به نظرم دولت و مسؤولان آموزش و پرورش باید در این زمینه فعال‌تر و تاثیرگذارتر وارد عمل شوند. باید به مادرانی که دانش‌آموز در خانه دارند هدیه داد و از به نحوی از آنها قدردانی کرد که آنها متوجه شوند زحماتشان دیده می‌شود. من اگر جای مسؤولان بودم به مادرانی که فرزند دانش‌آموز به‌خصوص مقطع ابتدایی دارند هر ماه یارانه می‌دادم. این حقوق هر چند کم باشد اما ثابت می‌کند جامعه می‌داند که این مادران در دوره کرونا چقدر شرایط دشواری را سپری می‌کنند. مادری که این روزها معلم هم هست، شرایطی را تجربه می‌کند که درک آن برای دیگران سخت است. پس باید به نحوی به آنها گفت ما شرایط شما را می‌فهمیم هرچند شاید نتوانیم کمک حالتان باشیم اما از شما قدردانی کرده و فراموش نمی‌کنیم چقدر از خودتان مایه می‌گذارید.

## مقطع حساس کنونی

### چه چیز و چگونه داخل پاچه فارغ‌التحصیل اول رفت؟

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

در دوران ریاست جمهوری یکی از رؤسای جمهوری سابق، جلسه ماهانه آقازادگان فارغ‌التحصیل یکی از دانشگاه‌های معتبر در یک رستوران سنتی برگزار شد. پیش از صرف ناهار صحبت از اوضاع اقتصادی، بی‌پولی، پولداری و خرمایه‌داری شد و یکی از فارغ‌التحصیلان که برعکس پدرش شخصی خودبزرگ‌بین و ازخودراضی بود، گفت: من همواره احتیاطا مقدار زیادی پول در کیفم دارم که اگر خرجی پیش آمد، انجام بدهم و فکر نمی‌کنم هیچ‌کس این مقدار پول را که من همراه دارم همراه خود داشته باشد. یکی دیگر از فارغ‌التحصیلان که برعکس پدرش شخصی نکته‌سنج و تکه‌بنداز بود به فارغ‌التحصیل اول گفت: از کجا این‌قدر مطمئنی که سایرین به‌اندازه تو در داخل کیف خود پول نداشته باشند؟ وی افزود: شاید همین‌الان من بیشتر از تو پول داشته باشم. فارغ‌التحصیل اول گفت: حاضرم شرط ببندم. فارغ‌التحصیل دوم گفت: سر چی؟ فارغ‌التحصیل اول گفت: اگر پول تو بیشترتر بود تمام پول‌های من، مال تو و اگر پول من بیشترتر بود، تمام پول‌های تو مال من. فارغ‌التحصیل دوم گفت: قبول. وی سپس افزود: ضمنا برای آن‌که دیگران نیز از این شرط‌بندی نفعی برده باشند، هرکس که برنده شد و پول آن‌یکی را گرفت، ناهار بقیه را حساب کند. فارغ‌التحصیل اول گفت: قبول. سپس هردو باهم کیف پول‌شان را بیرون آوردند و روی میز گذاشتند. یکی از فارغ‌التحصیلان به‌عنوان داور نخست پول‌های فارغ‌التحصیل اول را شمرد و شش‌میلیون و ۷۸۰ هزار تومان بود. سپس پول‌های فارغ‌التحصیل دوم را شمرد که ۵۰۰۰ تومان بود. در این لحظه فارغ‌التحصیل اول برعکس پدرش متوجه چوبی که در پاچه‌اش فرورفته بود و رکبی که خورده بود، شد و فهمید پول ناهار را باید حساب کند و نخست خواست دبه کند که سایر فارغ‌التحصیلان به وی فحاشی کردند و ناسزاهای زشت گفتند و سپس ۵۰۰۰ تومان فارغ‌التحصیل دوم را به او دادند و برای ناهار، گران‌ترین غذاهای رستوران سنتی را سفارش دادند و تا خرخره خوردند و پولش را داخل پاچه فارغ‌التحصیل اول کردند که از این به بعد قپی درنکند و مایه‌داری‌اش را به رخ سایرین نکشد.

## مرور و عبور با جام جم ۲۰ سال قبل

### میزان مصرف آب تهرانی‌ها اعلام شد

علی قاسمی، معاون آبرسانی تهران گفت: الگوی مصرف آب شهری در جهان ۱۵۰ لیتر برای هر نفر در شبانه‌روز است که این شاخص در تهران ۳۰۰ لیتر است.

وی افزود در سال آبی ۷۹–۷۸ آب سدهای امیرکبیر و لتیان به بخش شرب اختصاص‌یافته اما بازهم مجبور شدیم از آب چاه‌ها نیز استفاده کنیم. با این شرایط در سال ۱۴۰۰ در تهران به یک میلیارد و ۴۵۰ میلیون مترمکعب آب نیاز خواهیم داشت. (صفحه ۴)

### توصیه رهبر انقلاب به نمایندگان مجلس

هیات رئیسه مجمع رزمندگان مجلس شورای اسلامی با رهبر معظم انقلاب دیدار کردند. آیت‌ا...خامنه‌ای در این دیدار از مجلس به‌عنوان یکی از ارکان اساسی نظام اسلامی یادکردند و لزوم هوشیاری در مقابل دشمن و شناخت صحیح مرزبندی میان عناصر خودی و دشمن را مورد تأکید قراردادند. ایشان دفاع از مجلس شورای اسلامی را دفاع از نظام و تضعیف آن را تضعیف نظام دانستند و افزودند: اگر اعتراض و انتقادی هم به برخی از مسائل مجلس وجود دارد باید بدون اهانت و تضعیف مجلس باشد. مقام معظم رهبری نمایندگان را به برخورد منطقی و استدلالی و پرهیز از برخوردهای پرخاشگرانه و عصبی توصیه و خاطرنشان کردند: قشرهای مختلف مردم به‌ویژه نمایندگان باید با تشخیص درست صحنه سیاسی کشور و آرایش عناصر وابسته به دشمن مرزبندی میان نیروهای خودی و دشمن را بشناسند. (صفحات ۱و۲)

### وزارت ورزش تأسیس می‌شود

پورقاضی، نماینده مردم دشتستان و عضو هیات رئیسه کمیته جوانان و تربیت‌بدنی به خبرنگار جام‌جم گفت: در آینده بسیار نزدیک طرح تأسیس وزارت مجلس به هیات رئیسه مجلس ارائه خواهد شد.

وی دراین‌باره گفت: ما ضمن بررسی‌هایی که انجام دادیم به این نتیجه رسیدیم که ورزش باید متولی و پاسخگو داشته باشد. در شرایط فعلی و با شکست تیم‌های ملی و نارسایی‌ها طبق آیین‌نامه داخلی نمی‌توانیم از رئیس سازمان تربیت‌بدنی که متولی ورزش است، سؤال کنیم و عملا باید برای باخت تیم‌ها از رئیس‌جمهوری سؤال کنیم که این کار شایسته نیست به همین دلیل پیشنهاد تأسیس وزارت ورزش را داریم. (صفحه ۲۴)

جام جم

رهبر معظم انقلاب در دیدار با هیات رئیسه مجمع رزمندگان مجلس:

فضای ایثارگری در مجلس گسترش یابد

وزارت ورزش تاسیس می‌شود

کلیدهای آزمون آزمایشی گزینه دو در «جام جم» منتشر می‌شود

سینماگران ایرانی، ارزیابی می‌شوند

علیزاده، دلایل رد صلاحیت متقاضیان نشریات را اعلام کرد

سوولان: نزین دون‌سرب، لودگی هوا را کاهش می‌دهد

نیویورک تایمز فاش کرد:

### آمریکا و اسرائیل نخستین استفاده‌کننده‌ها از بمب‌های اورانیوم

بنیاد تحقیقاتی لاکا که در هلند فعالیت می‌کند، اعلام کرد: رژیم اسرائیل نخستین بار در جهان با همکاری آمریکایی‌ها از گلوله‌های ضدتانک حاوی اورانیوم استفاده کرده است. این گلوله‌ها در جریان جنگ یوم کیپور در سال ۱۹۷۳ شلیک‌شده است. در این تحقیق استفاده از اورانیوم برای ساخت سلاح‌های ضدتانک از سال ۱۹۹۲ بررسی و مشخص‌شده آمریکایی‌ها با جایگزینی اورانیوم با تنگستن از خواص اورانیوم مثل غلظت بالا و شعله‌ور شدن سریع بهره برد و در دهه ۸۰ میلادی تولید انبوه گلوله‌های ضدتانک حاوی اورانیوم را آغاز کرد و نخستین بار و از سال ۱۹۹۱ در جریان جنگ خلیج‌فارس از آنها استفاده کرد. (صفحه ۱۵)

### دزدی کلینتون از خانه‌ها

در روزهای آخر زمامداری بیل‌کلینتون در پست ریاست جمهوری آمریکا، رسانه‌های این کشور با او گفت‌وگوهای دوستانه و خودمانی را ترتیب دادند. او دریکی از این مصاحبه‌ها گفت تصمیم دارد بعد از پایان دوره رئیس جمهوری، بازیگری را به‌عنوان حرفه ادامه بدهد. شبکه سی‌ان‌ان هم گفت بیل کلینتون در سرقت از منازل تبحر خاصی دارد. کلینتون در گفت‌وگو با مک کاپل اظهار کرد: از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۴ در هر مهمانی رسمی و غیررسمی که شرکت می‌کرده پس از صرف ناهار یا شام قاشق و چنگال و کارد نقره خود را که در دست راست داشته، می‌دزدیده و با قرار دادن آن در جیب بغل کتش آنها را از منزل میزبان خارج می‌کرده. وقتی مجری برنامه از کلینتون خواست نمونه‌ای از این اشیای دزدی را نشان دهد، او به‌آرامی دو قاشق گران‌قیمت از جیب راست و یک کارد گران‌قیمت از جورابش بیرون آورد و آنها را نشان مک کاپل داد. (صفحه ۱۰)